

مقدمه‌ای بر نظارت مبتنی بر ریسک در شرکت های بیمه (قسمت دوم)

ترجمه : زهرا دهنوی

دانشجوی کارشناسی ارشد تحصیلات آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریال جامع علوم انسانی

مدیریت ریسک و ابزارهای کاهش آن

روش ها باید به صورت خلاصه مورد بحث و دسته بندی قرار گیرند که خواننده بتواند مفهوم اساسی هر یک را درک کند. این موارد شامل کنترل هایی است که در مورد شرکت های بیمه اجرا می شود و این کار به وسیله قانون گذاری و با راهنمایی های منظم، اقدامات صنعتی و اقدامات شرکتی انجام می گیرد و هر یک نیازمند سطح

چندین روش برای مدیریت ریسک وجود دارد که اغلب به آنها روش های کاهش ریسک معطوف می شوند. این محدوده تعیین می کند چه تجارتی انجام شود؟ و چگونه اجرا شود؟ تا روش های دقیق و پیچیده ای که در سطح شرکت استفاده می شوند را در بر گیرد. این کنترل ها و

دانش و مهارت ویژه ای می باشد که آن بخش از این روش ها استفاده می کند. این بخش از مقاله به این موارد خواهد پرداخت.

کاهش ریسک، فرآیند مدیریتی یک ریسک است به طوری که بتوان حوادث نامطلوب را پیش بینی کرد و امکان تجربه نامطلوب را به محدوده های قابل قبولی محدود ساخت.

شرکت بیمه می تواند انتظار داشته باشد که تأثیر استفاده از روش های کاهش ریسک، کاهش ناپایداری و بی ثباتی ریسک و جایگزین کردن آن با حالت های باثباتتر و قابلیت پیش بینی بیشتر است. بنابراین اینگونه ریسک ها از بین نمی روند، آنها فقط قابل مدیریت می شوند. این چنین روش های مدیریت ریسک یا روش های کاهش ریسک، ابزارهایی هستند که شرکت های بیمه می توانند با استفاده از آنها میزان بی ثباتی و تأثیر مالی منفی مربوط به جنبه نامطلوب ریسک ها را کاهش دهند.

هدف استفاده از این روش ها این است تا میزان خالص در معرض ریسک بودن را با ثبات تر و قابلیت پیش بینی آنها بیشتر شود به این معنی که شرکت دارای بیشترین احتمال برای ادامه وظایف خود در قبال بیمه گذاران تا حد امکان باشد. استفاده محتاطانه از این روش ها موجب

کاهش میزان خالص در معرض ریسک قرار گرفتن می شود از این رو باعث کاهش ریسک سرمایه ای شرکت می گردد.

قانون

از قانون اغلب برای محدود کردن ریسک هایی استفاده می شود که شرکت های بیمه با آن مواجه می شوند. ظاهراً این مسئله می تواند به شکل ممانعت از فعالیت شرکت های بیمه در انجام برخی معاملات بیمه ای باشد. این موضوع نه تنها تا حدودی اقدام به تعریف تجارت بیمه در قلمرو قضایی می نماید بلکه ریسک هایی را که شرکت های بیمه می توانند بپذیرند را نیز محدود می کند. نمونه چنین موضوعی این است که در چندین قانون قضایی در مورد شرکت های بیمه آمده است که در مورد هر رشته فعالیت بیمه ای باید یا مجوز داشته باشند یا اینکه مجوز آنها تأیید شده باشد. این به ناظر بیمه اجازه می دهد تا مهارت ها و دانش شرکت را در برخورد با هر نوع بیمه ای ارزیابی کند.

همچنین قانون می تواند حدودی را تعیین کند که شرکت های بیمه بتوانند در چارچوب آن عمل نمایند. این موضوع در چندین قلمرو قضایی باعث بوجود آمدن محدودیت هایی برای سرمایه گذاری می شود که در قانون تنظیم شده

است. در وضعیت هایی که قانون از فعالیت های بخصوصی جلوگیری می کند این تأثیر می تواند ریسکی که شرکت را مبتلا ساخته است به حداقل رسانده و یا آن را حذف کند قانون معین می تواند این ریسک را کاهش داده یا به حداقل برساند به طوری که میزان خالص در معرض ریسک قرار گرفتن آن در یک سطح تجربی مورد انتظاری ثابت باقی بماند.

آئین نامه ها

قانون اغلب به آئین نامه ها این قدرت را می دهد تا عملیات شرکت های بیمه را تحت کنترل قرار داده و یا آنها را محدود می کنند این شیوه دارای همان تأثیر است مثل اینکه قانون، اقدام به تنظیم جزئیات محدودیت از نقطه نظر کاهش ریسک بنماید. با این وجود، با تنظیم این مفاد در قوانین می توان جزئیات بیشتری را معرفی کرد و این روش می تواند قابلیت انعطاف بیشتری داشته باشد. برای ناظر، اغلب به دست آوردن تغییرات در تنظیمات آسانتر از جستجوی تغییرات قانونی است. بنابراین بامحول کردن قدرت انجام تنظیمات به ناظر، می توان این روش را به روز نمود. این تنظیمات قادرند تا جزئیات بیشتری نسبت به موارد عادی موجود در قانون داشته باشند. این بدان معنا است که ناظر

می تواند در تنظیمات به جزئیات فنی بسیار بیشتری نسبت به آنچه که در قانون تهیه شده است دست یابد. همزمان با تغییر محصولات و خدماتی که برای برخورد با شرایط بازار ایجاد می شود، ناظر نیز می تواند به تغییر تنظیماتی جهت برخورد با شرایط بازار بپردازد. همه این روش ها بر محدودیت میزان ریسکی که یک شرکت از لحاظ جنبه ویژه ای از عملیات های تجاری خود در معرض آن قرار گرفته است تأثیر می گذارد. این محدودیتها در مورد همه شرکت هایی که در بازار فعالیت می کنند وجود دارد. ناظر بیمه در اغلب بازارهای بزرگ بیمه اقدام به اعمال فشارهایی بر عملیات های شرکت های بیمه نموده است. تا ریسک هایی که این شرکت ها در معرض آن قرار می گیرند را محدود کند. اگرچه این تنظیمات بر مدیریت یا محدود سازی میزان قرار گرفتن شرکت در معرض ریسک تأثیر می گذارد اما تا زمانی که این محدودیت ها قابل توجه نباشد باز هم این مسئله وجود داشته و شرکت ها به طور قابل ملاحظه ای در معرض ریسک قرار گرفته و بنابراین نیاز به سرمایه نیز افزایش می یابد آنها تنها درشرایطی که این تنظیمات قابل توجه باشند می توانند ریسک های مذکور را به طور کامل کاهش دهند.

آئین نامه های سرمایه گذاری : این امر موجب

می شود تا محدود یا سرمایه گذاری هایی که شرکت های بیمه می توانند از آن استفاده کنند محدود شود. همچنین سطح ریسکی که شرکت های بیمه برای اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری مجاز هستند را محدود می کند. این محدودیت ها می تواند شرکت های بیمه را تنها محدود به سرمایه گذاری در دارایی ها قابل عرضه که دارای کیفیت بالایی هستند نماید. این مسئله بر محدود ریسک اعتباری و ریسک عدم پرداخت در مورد شرکت های بیمه ای که ممکن است در معرض ریسک قرار گیرند تأثیر می گذارد همچنین موجب می شود که مقداری محافظه کاری در فعالیت ها به شرکت های بیمه تحمیل شود.

پایه های قانونی معین برای ارزیابی دیون:

عمل استفاده از پایه های قانونی برای محاسبه ارزشی دیون یک شرکت بیمه سال هاست که در بسیاری از قلمروهای قضایی جایگاه خود را یافته و به عنوان راه مؤثری برای کنترل ریسک ها در ستون بدهی های ترازنامه استفاده می شود و حاشیه ای را به انحراف های نامطلوب در عمل اضافه می کند. نوعا این پایه های انتخاب شده می توانند محدود وسیعی از موارد ریسک را پوشش دهند و تصور می شود که بتوانند بیشترین

اقدام ریسکی که بنا به تعریفی که قبلا ارائه شد پوشش دهند زیرا موجب می شود تا این مبنا را بیش از میزان کافی آن برای حداقل اقدام ریسکی در قلمرو قضایی نشان دهد. این روش به ناظر بیمه اجازه می دهد تا حاشیه های آشکار توانگری را از طسریق فرآیند انتخاب فرضیات ارزیابی و روش شناسی تثبیت نماید.

آئین نامه های بیمه اتکایی : استفاده از آن

می تواند تأثیر وسیعی بر راهی بگذارد که در آن تجارت بیمه در یک قلمرو قضایی انجام می گیرد. این تنظیمات در اغلب قلمروهای قضایی و به یک شکل یا به شکل های دیگری وجود دارند. بیشترین مورد استفاده از این تنظیمات برای محدود کردن انواع بیمه اتکایی و همچنین شرکت هایی که با شرکت های بیمه محلی کار می کنند می تواند بسیار قوی باشد.

با محدود کردن گزینه های انتخاب شرکت های بیمه ، ناظر بیمه مجاز است تا روشی در پیش بگیرد که در آن قابلیت وصول نهایی بیمه اتکایی، مطلوب شود. بیمه اتکایی ممکن است مورد نیاز شرکت های بیمه ای باشد که انواع ویژه ای از پوشش بیمه را ارائه می دهند از قبیل بیمه زلزله یا بیمه بلایای طبیعی. تأثیر آن به صورتی است که محدودیت ها را برای هرگونه

آیین نامه های بیمه نامه: تنظیم ضوابط و شرایطی است که در قراردادهای بیمه وجود دارند و هدف عمده را دنبال می کنند که شامل:

تنظیم محتوا و نحوه بیان قراردادهای بیمه می تواند این اطمینان را بدهد که این موارد واضح و روشن هستند بنابراین ریسک قانونی را کاهش می دهند و به مشتری ها اطمینان بیشتری می دهند که شرکت ها اقدام به پوشش همان مواردی می کنند که در بیمه نامه نیز بیان شده است. همچنین این تنظیمات در محدوده محصولاتی که از سوی شرکت ها به جامعه ارائه شده و در قلمرو قضایی عمل می کنند می توانند ایجاد سازگاری نمایند.

راهنماهای کلی

این راهنمایی های در وضعیت هایی استفاده می شوند که در آن قانون یا تنظیمات به شرکت های بیمه قدرت تنظیم محدودیت ها و کنترل های داخلی می دهد تا شرکت ها اقدام به تثبیت یا تنظیم وضعیت هایی بنمایند که نیاز به جلب موافقت ناظر بیمه دارد.

شرکت ها اغلب خواهان تعریف واضحی از وضعیتی هستند که ناظر آن را در محدوده گزینه های قابل قبولی می بیند که این شرکت ها ممکن است داشته باشند. راهنمایی های تنظیمی

شرکتی در صنعت ایجاد می کند تا بر میزان در معرض قرار گرفتن سطح قابل قبولی از ریسک که نیاز به سرمایه ویژه ای دارد تأثیرگذار باشد.

ناظر بیمه ممکن است قدرت خود را برای بررسی و ثبت قراردادهای بیمه اتکایی حفظ کند تا مطمئن شود که شرکت های بیمه دارای انتقال معتبرریسک هستند و مکانیسم های ساده ای برای کاهش سرمایه نمی باشد این مسئله موجب تحمیل نظمی در صنعت می شود تا اطمینان حاصل شود که بیمه اتکایی براساس مبنای دقیق و مناسبی انجام می گیرد. نوع خاصی از بیمه اتکایی از قبیل بیمه اتکایی مالی، که به دنبال هموار کردن درآمد است، ممکن است پذیرفتنی نباشد.

آیین نامه های مربوط به نرخ حق بیمه: این آیین نامه ها می توانند شامل تنظیم مبنایی برای تعیین حق بیمه ها در مورد درجات تجاری خاصی باشند یا نیازمند این باشند که نرخ حق بیمه ها توسط ناظر بیمه تثبیت شود و این کار باید قبل از ارائه آن به عموم انجام شود این کارها می تواند بر محدود کردن میزان فرضیات نوگرا و همچنین روش شناسی که شرکتها برای تنظیم حق بیمه ها استفاده می کنند تأثیر بگذارد و موجب کاهش ریسکی می شود که قیمت گذاری خدمات بیمه ای را به اندازه کافی تثبیت نمی کند.

موجب تنظیم محدوده انتخاب قابل قبولی در شرکت‌هایی می‌شود که انتظار می‌رود خودشان تصمیم‌گیرنده باشند نمونه چنین روشی مربوط به شیوه بیمه سرمایه‌گذاری محتاط است که در چند قلمرو قضایی وجود دارد. نوعاً این قانون نیازمند این است که آن شرکت اقدام به تنظیم بیمه نامه سرمایه‌گذاری نماید تا موجب شناسایی نیاز به رسیدن به یک تعادل بین سرمایه‌گذاری جهت کسب بازده جذاب و نیاز به سرمایه‌گذاری دارایی‌های شرکت برسد و این امر به شکلی باشد که یک سطح معقول پوشش از تجربه سرمایه نامطلوب ایجاد شود. در این گونه قلمروهای قضایی یک امر طبیعی است که تنظیم‌کننده اقدام به تنظیم محدوده‌ای از موضوعات و گزینه‌هایی کند که نیاز به پوشش از سوی شرکت بیمه داشته و از طریق راهنمایی‌های تنظیمی صورت پذیرد.

نظارت بر شرکت‌ها به عنوان یک ابزار کاهش ریسک می‌تواند سهم بزرگی ایفا نماید. مداخله قاطع و به موقع در مورد شرکت‌هایی که در حال ضعیف شدن هستند می‌تواند موجب کاهش سطح ریسک به ویژه در این شرکت‌ها و به طور کلی در صنعت بیمه شود. برای رسیدن به این هدف باید قدرت نظارتی دارای اختیار واضحی جهت عمل به موقع، زود و سریع داشته باشد.

به همین حالت نیز هیئت مدیره اقدام به ایجاد یک کارکرد نظارتی در مورد عملیات دقیق یک شرکت می‌نماید، و ناظر بیمه هم اقدام به تهیه یک کارکرد نظارتی در مورد عملیات دقیق صنعت بیمه می‌کند. هیئت‌ها نیازمند تعریف واضحی از آنچه که نسبت به آن مسئولیت دارند هستند و این امر در مورد تنظیم‌کنندگان نیز صادق است یعنی اینکه هر دو بخش در مورد آنچه که مورد انتظار هیئت مدیره است آگاه می‌باشند. صنعت بیمه باید انتظارات یک رژیم تنظیمی و ناظر بیمه را درک کند و بداند که این قواعد به شکل منصفانه‌ای خواهد شد. در این راه انتظار می‌رود با شرکت‌های بیمه به گونه مناسبی رفتار شود اما اگر امور مالی شرکت به حالتی برسد که منافع بیمه‌گذار در معرض ریسک قرار گیرد باید با آن شرکت به طور قاطع برخورد شود.

نقش آزمون کفایت سرمایه : این آزمون با استفاده از یک مبنای منظم همراه با دادن گزارش به ناظر بیمه می‌تواند سطح مناسبی برای ناظر بیمه ایجاد کند تا مشخص شود شرکت‌هایی که در این قلمرو عمل می‌کنند دارای سرمایه کافی همراه با طرح‌های سرمایه مناسب برای تأمین همه وضعیت‌های مالی معقول خود باشند.

این کار بر روی کاهش حاشیه ای که ناظران بیمه ممکن است در غیر این صورت بخواهند آن را حفظ کنند تأثیر می گذارد. وگرنه این حاشیه ممکن است در نیازمندی های سرمایه تثبیت شود و یک انحراف غیر منتظره در آزمون ایجاد کند.

معیارهای صنعتی

در برخی قلمروهای قانونی و یا صنعت بیمه، معیارهایی در مورد کار تجاری دقیق معرفی نموده اند. این کار می تواند محدوده وسیعی از فعالیت های شرکت بیمه را تعیین نموده و متعهد شود تا تنوع بازار را تحت پوشش خود قرار دهد.

اگرچه این کار الزام قانونی ندارد اما آنها فشار عمده ای بر شرکت ها وارد می آورند تا به معیارهایی که صنعت بیمه در خود دارد جامه عمل بپوشند. این معیارها می توانند ریسک را محدود کرده و معیارهای مدیریتی ریسکی که مورد نظر یک شرکت دارای مدیریت خوب است را تعیین نماید. قانونگذار می تواند تطابق هر شرکت در مقابل این معیارها را ارزیابی کند. در سایر موارد، صنعت بیمه اقدام به ایجاد یک روش مدیریت ریسک نموده است که بر اساس ایجاد یک ابزار مدیریت ریسکی که همه بتوانند از

آن استفاده کنند استوار است. این موضوع می تواند در محدوده مفاد بیمه نامه و ترتیبات مشترک ریسک صنعتی قرار گیرد.

نحوه قرارداد واضح و غیر مبهم

قراردادهای بیمه، قراردادهای قانونی هستند که بیمه گر آنها را تعهد نمود و به گونه ای است که مشتری نمی تواند مفاد مورد توافق را تغییر دهد. در نتیجه، بیمه نامه هایی که شرایط پرداخت مزایای بیمه را به روشنی تنظیم می کنند کمتر موجب سردرگمی و اصطکاک با مشتری می شوند. اگر اختلاف نظری در مورد تفسیر یک قرارداد پیش آید برای حل کردن به دادگاه رجوع می شود و در صورتی که محتوای قرارداد مبهم باشد ممکن است قرارداد به گونه ای تفسیر شود که به نفع مدعی تمام شود. بیمه گران می توانند این ریسک را با تنظیم قراردادهای دقیق بیمه کنترل کنند و هر جا که ممکن باشد از اصطلاحات معمولی استفاده کنند.

اتلاف ریسک ها: این اقدامی است که در آن بیمه گران برای مدیریت ریسک های ویژه یا ایجاد گروه بزرگی از بیمه گران تشکیل یک صندوق مشترک می دهند بنابراین قانون اعداد بزرگ می تواند به طور مؤثری به کار رود. این نوع ترتیبات در مورد شرکت های معمولی بیمه

را برای ادامه کار تجارت بلند مدت و دقیق تخریب کند. صنعت بیمه دارای سنت طولانی در زمینه استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک جهت محدود کردن یا کنترل ریسک هایی است که شرکت آنها را قبول می کند تا ریسک هایی که شرکت در معرض آنها قرارداد کنترل شود و شرکت را از تجربه نامطلوب ایمن سازد و همچنین میزان خالص ریسک را مدیریت نماید.

برخی از این روش ها سال هاست مورد استفاده و توسعه قرار گرفته اند و این ها قبل از زمانی بوده که روش های الگوسازی پیچیده کامپیوتری شکل گرفته اند. سایر روش ها برای این که ابزارهای مدیریتی مؤثر باشند نیازمند الگوهای دقیق کامپیوتری هستند.

بیمه اتکالی: این یکی از مکانیسم های بنیادی است که توسط صنعت بیمه استفاده می شود تا به وسیله آن، یک مقدار از ریسک و یا تمام آن از یک بیمه گر به دیگری انتقال یابد. محدوده وسیعی از ترتیبات بیمه اتکالی استفاده می شود اما این ها دارای یک ماهیت اساسی مشترکی هستند. شرکت بیمه اتکالی اقدام به شناسایی ریسکی می کند که مایل به کنترل آن بوده و می خواهد آن را در عوض حق بیمه یا سری های حق بیمه و بیمه گر اتکالی منتقل کند.

یک امر عادی است، آنها بیمه اتومبیل را در مورد بیمه رانندگان پرخطری که برای رانندگی به بیمه نیاز دارند انجام می دهند اما شرکت های بیمه ترجیح می دهند که این دسته از ریسکها را بیمه نکنند بنابراین مدیریت این گونه ریسکها به صورت یک ائتلاف جداگانه می تواند به مدیریت ریسک کمک کند و بیمه مورد نیاز این افراد نیز فراهم شود.

معیارهای شرکت

هر شرکتی می تواند بیمه نامه ها و روش های مناسبی برای مدیریت یا محدود کردن ریسک های مورد نظر خود داشته باشد. برخی از این موارد در مورد شرکت ها یکسان است و سایر موارد دیگر در شرکت مخصوصی استفاده می شود اما این کارها بر اساس اقدامات کل صنعت انجام می گیرد. این مسائل برای هر شرکتی ضرورت دارد تا اطمینان یابد که اگر این ریسک ها را تقبل کند روش های کاهش ریسکی که مورد استفاده قرار گرفته اند و نیز مقدار خالص ریسک مربوط به آن، همگی در قدرت تحمل ریسک مورد نظر شرکت وجود داشته باشند. اگر شرکت ها فاقد محتوای واضحی در بیمه نامه های خود باشند متوجه می شسوند که در معرض ریسک هایی قرار دارند که می تواند توانایی آنها

تحت قراردادهای بیمه اتکایی، بیمه گر اقدام به پرداخت هرگونه مطالبه معتبری می کند که ممکن است از قراردادهای بیمه حاصل شود و سپس یک مطالبه را در مورد بیمه گر اتکایی پرونده می کند تا زیان های بیمه شده اش را باز یابد. این به آن معنا است که اگر بیمه گر اتکایی آن را نپذیرد در آن صورت دیون کاملی برای بخش بیمه شده دارد و بیمه گر مجبور به پرداخت مبلغ مطالبه شده می شود. یعنی اینکه بیمه اتکایی می تواند به نقطه ای از ریسک بیمه ای وارد شود که به مشتری منتقل شده و تحت انواع توافقات تجاری بین شرکت ها باشد.

یک بیمه گر می تواند به طور متناوب وارد معامله بیمه شود تا میزان قرار گرفتن در معرض ریسک خود را کاهش دهد و از این طریق موجب کاهش دیون گزارش شده خود شود. ترتیبات بیمه های اتکایی می توانند ریسک های پوشش بیمه مخصوص را تحت پوشش خود قرار دهند اما به جای پوشش ریسک مربوط به یک قرارداد بیمه مخصوص، ریسک زیان مازاد و زیان های فاجعه ها و غیره، اقدام به پوشش یک مجموعه از ریسک می نماید.

بیمه اتکایی مالی یک تغییر در اصول کلی بیمه اتکایی است که در زیر چنین اصولی، بیمه

اتکایی موجب گسترش هزینه مطالبات بیمه در طی چندین دوره گزارش مالی می شود. تأثیر همواره کننده این نوع از ترتیبات می تواند برای شرکت ها جالب باشد اما گزارش قانونی و حسابداری GAAP همیشه موجب شناسایی این نوع ترتیبات به عنوان بیمه اتکایی معتبر نمی شود.

شرایط انحصاری: استفاده از این شرایط در بیمه نامه، روش معمولی برای محدود کردن ریسکی است که بیمه گر با آن مواجه می شود این شرایط می توانند وقایع یا عوامل زیانی که موجب پرداخت یک مطالبه می شود را محدود کند در نتیجه باعث کاهش هزینه مطالبات نهایی و محدود شدن دامنه ضرر می شود. این شرایط می توانند مبلغی را که شرکت باید هنگام وقوع یک مطالبه در قبال زیان های متحمل شده پرداخت نماید را محدود کنند.

تنوع

از این روش برای کاهش تمرکز ریسکی استفاده می شود که ممکن است در دارایی ها یا ستون بدهکار ترازنامه وجود داشته باشد. ایجاد تنوع در دارایی با استفاده از محدوده ای از انواع ابزارهای مختلف سرمایه گذاری همراه با سرمایه گذاری در انواع صنایع و مناطق مختلف جغرافیایی بازار انجام می شود که شرکت در آن

عمل می کند. تنوع دادن از طریق ارائه محدودده ای از شکل های بیمه ای بازار و محدود کردن ارائه آن به مشتری، صنعت یا ناحیه جغرافیایی ایجاد می شود. استفاده از الگوهای مالی: این روش به شرکت اجازه می دهد تا به طور فعال اقدام به مدیریت ریسک هایی که در معرض آن قرار گرفته بنماید و این کار را با استفاده از انگوی کامپیوتری محاسبه کند و ریسک هایی را هدف قرار دهد که قبول نموده است و به ارزیابی تاثیر ابزارهای مورد نیاز جهت مصونیت از این ریسک ها می پردازد. استفاده از الگوهای مالی نیاز به الگوهای پیچیده کامپیوتری دارد و به طور کلی این کار زمانی بیشترین تاثیر خواهد داشت که دقیقاً به فرایندهای مدیریت ریسکی متصل شود که شرکت از آن برای اندازه گیری و محافظت در برابر تاثیر ریسک نامناسب استفاده می کنند.

تعهد نمودن: این یک ابزار بنیادین برای

ارزیابی ریسک است و در نقطه ای از آن استفاده می شود که بیمه گر قصد داشته باشد تا از آن در مورد بیمه استفاده کند شخصی متعهد اقدام به ارزیابی ریسکی می کند که در کارش وجود دارد همچنین اقدام به طبقه بندی مناسب ریسک، برای پوششش مورد نیاز طبقه بندی حق بیمه ای

که مسئول ریسک است می نماید علاوه بر اینها باید در نظر داشته باشد که شرکت باید چه مقدار از ریسک بیمه را خودش پوشش دهد و چه مقدار از آن را بیمه اتکایی نماید.

فرآیند احقاق مطالبات: این فرآیند با استفاده از کارمندان اقدام به مدیریت نموده و پرداخت مطالبات باید به فرآیند تعهدی همانند محتوای قراردادهای بیمه الحاق شود. شناسایی و محدود کردن پرداخت مطالبات معتبر یک بخش مهمی از مدیریت هزینه نهایی در زمینه ارائه بیمه به مشتریان است.

ایمن سازی: این روش درمورد دارایی ها و همچنین بدهی ها می تواند استفاده شود. این روش شامل جمع آوری گروهی از ریسک های مشابه در یک اتلاف و طراحی ابزار ماخوذ برای انتقال این ریسک به سرمایه گذاران بالقوه می باشد. این کار موجب می شود تا میزان قرار گرفتن شرکت در معرض تمرکز زیاد در ذهن ها کاهش یابد و نیز موجب می شود تا سطوح بالایی از زیان های حوادث فاجعه آمیز در مقابل ترتیبات بیمه اتکایی متعارف پوشش بیشتری یابد.

مصونیت: این روشی است که در مورد

تحصیل ابزار مالی مخصوص برای جبران ریسک های ویژه ای است که در دفاتر شرکت

یک چارچوب نظارتی نمود. در برخی شرایط ممکن است این روش ها طوری باشند که بعضی ریسک ها را به اندازه کافی کاهش دهند و میزان خالص در معرض قرار گرفتن این ریسک ها را در سطوح پایین و قابل قبولی نگهدارند.

صندوق ضمانت بیمه گذاران: این صندوق

می تواند سطحی از بیمه ضمانت مالی برای بیمه گذاران شرکت های بیمه ای که در پرداخت دیون خود ناتوان هستند فراهم نماید. این ترتیبات شامل همان دسته از استثناها و محدودیت های پوششی است که شخص از قرارداد بیمه تجاری انتظار دارد. این ترتیبات می توانند ناظر بیمه را به سطح افزوده ای از آسایش برسانند که بیمه گذاران به هنگام وقوع ناتوانی شرکت بتوانند به طور مناسبی غرامت خود را دریافت کنند زیرا شرکت نیز یکی از اعضاء صندوق ضمانت به شمار می آید.

ناظر بیمه باید در برخورد با شرکت هایی که مشکل دارند به طور قاطع و سریع عمل نماید طوری که انگار صندوقی ضمانتی وجود ندارد، اما قدرت نظارتی باید تشخیص دهد که آیا صندوق ضمانت می تواند محافظت بیشتری از بیمه گذاران به عمل آورد یا خیر؟

وجود ندارد این روش می تواند شامل استفاده از مشتقات پولی برای جبران میزان خالص در معرض قرار گرفتن یک ارز خارجی یا ابزارهای مشتق از نرخ بهره باشد تا از این طریق اقدام به پوشش موقعیت ناسازگار بین مدت متوسط دارایی ها و بدهی ها شود.

سایر روش های کاهش ریسک

ناظران بیمه روش های دیگری نیز در اختیار دارند تا از طریق آنها اقدام به محدودسازی یا مدیریت ریسک های قابل ملاحظه ای در ارتباط با تجارب بیمه بنمایند. ناظران بیمه ممکن است این روش ها را در قلمروهایی انتخاب کنند که ناظر تشخیص دهد که اتخاذ این روش ها برای کاهش قابل توجه ریسک هایی که صنعت در معرض آنها قرار دارد لازم می باشد همچنین ناظر می تواند حفاظت کافی برای بیمه گذاران ایجاد نماید. در سایر قلمروها از این روش ها به عنوان مکمل کاهش ریسک استفاده می شود.

هر یک از این روشها بر محدود سازی میزان ریسکی که یک شرکت بیمه در معرض آن قرار دارد تاثیر می گذارند در وضعیت هایی که از این روش ها استفاده می شود باید برای رسیدن به کاهش ریسک مورد نظر، اقدام به شناخت در

هنگامی که صندوق ضمانت بیمه توسط صنعت بیمه تامین می شود انتظار می رود که ناظر در برخورد با شرکت هایی که مشکل دارند خیلی زود تحت فشار قرار گیرد که هزینه مدیریت نمودن ثبات آن شرکت می تواند اندک باشد به علاوه، چون هزینه ثبات شرکتی که دچار مشکل است باید بین شرکای آن صنعت تقسیم شود، از این رو ممکن است برای ناظر مشکل باشد تا شرکتی را پیدا کند که مایل به مشارکت در رفع مشکل شرکت دیگری به عنوان بخشی از کار خود باشد بنابراین در چنین حالتی باید خود آن شرکت اقدام به تامین ثبات نماید. این نتیجه ممکن است با انتظارات قانون گذاران اختلاف داشته باشد.

روش شناسی نظارتی

روش شناسی نظارت بر اساس ریسک، توجه خود را به هر بخش مهمی از کار شرکت معطوف داشته و به ریسک های موجود در هر منطقه مخصوصی نظر می افکند. فرایند انتخاب مناطق از شرکت جهت بررسی آنها معطوف به واحدهای نسبتاً کوچک در شرکتی است که ریسک های درون آن واحد بتوانند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. هدف از نظر گرفتن خطوط تجاری و واحدهای عملیاتی اینست

که به مناطق بحرانی ریسک از نقطه نظر متفاوتی نگاه شود. ناظر با استفاده از این روش می تواند آسیب پذیرترین بخش های شرکت و فرآیندهایی که شرکت از آنها برای مدیریت ریسک استفاده می کند را تعیین نماید. به علاوه، با استفاده از شیوه ساختاری می توان بخش های کلیدی کار شرکت را طوری در صنعت تعیین کرد که هماهنگی در زمینه اطلاعات فراهم شود. این کار می تواند شناسایی اقدامات مفید را در صنعت تسهیل نماید به طوری که معیار مدیریت ریسکی که شرکت ها از آن استفاده می کنند بتوانند در طول زمان افزایش یابند. بنابراین ناظر باید برای هر بخش عمده ای در درون شرکت بتواند همه ریسک هایی که ممکن است مشکل ساز باشند را در نظر بگیرد و نیز شیوه های مدیریت ریسک و اثرات آن را ارزیابی کند نتیجه هر یک از این بررسی ها باید شامل یک ارزیابی باشد که در آن مشخص شود آیا ریسک مورد نظر در حال است و آیا میزان خالص در معرض ریسک قرار گرفتن آن شرکت بالا، متوسط یا پایین است، این کارها بر حسب تاثیر نتایج مالی آن شرکت صورت می گیرد. با در اختیار داشتن شناخت در مورد بخش های ریسکی که شرکت های بیمه در معرض آن قرار گرفته اند ناظر می تواند اقدام به

موارد نیاز به اطلاعاتی برای ارزیابی اندازه روش‌های کاهش ریسکی که این ریسک‌ها را کنترل می‌کند، می‌باشد این کار نیاز به اطلاعات یا گزارش‌های ویژه شرکت دارد این اطلاعات آخری باید هر سال تهیه شود و فقط در صورتی باید آنها را بایگانی کرد که فرایندهای درونی شرکت تغییر یابند.

ناظر نیاز به مهارت‌های ویژه ای برای بررسی مناطق ریسک، بررسی روش‌های ریسک و تاثیر آن در کنترل بی‌ثباتی و میزان خالص در معرض ریسک قرار گرفتن دارد. هنگامی که ناظر توانست که ریسک‌هایی که بیشترین نگرانی را ایجاد می‌کنند شناسایی کند باید در مرحله بعد اقدام به بررسی عمیق و مفصلی در مورد راه‌سپایی که شرکت‌ها می‌توانند ریسک‌ها را کنترل کنند بنماید. به طور کلی هرگونه روش کاهش ریسکی در این فکر است تا آنجا که ریسک بزرگ و ناپایدار وجود دارد را به شکل پایدار قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت مالی درآورد.

در اینجا باز هم استفاده از مهارت‌های ویژه برای ناظر یک امر عادی است تا به وسیله آن بتواند تاثیر فرایندهای کاهش ریسکی که مورد استفاده شرکت‌ها است را ارزیابی کند.

هنگامی که فرایند بررسی به اتمام رسید

شناسایی داده‌ها یا جمع‌آوری اطلاعات از هر یک از شرکت‌ها بنماید تا میزان ناخالص و خالص در معرض ریسک قرار گرفتن ریسک‌های بسیار بزرگ را تعیین کند. همانطور که گفته شد این فرایند قصد دارد تا توجه نظارتی خود را به ریسک‌های مالی که ممکن است تشکیل بخشی از نیازمندی‌های گزارش مالی در کشور هستند معطوف کند. برخی از اطلاعات که ناظر نیاز به آن دارد باید هر ساله به روز شوند بنابراین ممکن است بهتر باشد که این اطلاعات را به عنوان بخشی از مشکل بایگانی منظم سالانه شرکت در نظر گرفت. سایر اطلاعات ممکن است سال به سال به نسبت هماهنگ شده و هر زمان که به این اطلاعات نیاز باشد بتوان آنها را فراهم نمود.

بخش اصلی این کار این است که میزان ناخالص قرار گرفتن در معرض ریسک باید قابل شناسایی و پیروی باشد و انجام این کار با استفاده از وضعیت‌های مالی که به وسیله تنظیم‌کنندگان به‌طور مکرر تهیه و بایگانی می‌شود صورت می‌گیرد. اطلاعات مربوط به ساختار شرکت و بخش‌های عملیات آن ممکن است بخشی از اطلاعاتی باشد که ناظر در بایگانی دارد. وگرنه این اطلاعات باید از جانب شرکت جمع‌آوری می‌شد تا فرایند را پشتیبانی نماید در اغلب

همچنین برای ارزیابی خالص ریسکی که بر حسب سطح و میزان بی ثباتی آن مشخص می شود و نیز برای تمرکز تلاش نظارتی در مورد قابل توجه ترین موارد خالص ریسک استفاده می شود هدف اساسی این فرایند این است که مناطق عملیاتی شرکت که بیشترین ریسک مالی در بی ثباتی مداوم دارند را به طور مناسبی شناسایی کند.

همه فرایندهای نظارتی دارای عنصری از این شیوه مبتنی برریسک هستند زیرا هیچ ناظری نمی تواند همه جزئیات را در مورد هر شرکتی زیر نظر داشته باشد. ناظر ترجیح می دهد تا اغلب از روش هایی برای شناسایی جنبه های اصلی ریسک های عملیاتی شرکت ها استفاده کند و سپس به بررسی عمیق تر این مناطق بپردازد. روش مبتنی بر ریسک اقدام به ایجاد نظم و شناسایی مناطقی از ریسک می کند که شایسته توجه نظارتی بوده و شرکت ها نیاز به اصلاح آن داشته باشند.

با ایجاد یک فرایند نظارتی منظم جهت توجه به ریسک های کلیدی و متمرکز کردن منابع نظارت براین مسائل می توان این فرایند را موثرتر و کارآمدتر نمود.

البته نمی توان گفت که چنین شیوه یا چنین راه حلی برای هر کشوری مناسب باشد چارچوب

باید ناظرها اقدام به دادن گزارش درباره نتایج بررسی بنمایند و پیشنهادهایی نیز برای انجام تغییرات ارائه کنند استفاده از روش نظارتی مبتنی بر ریسک برای چنین فرایندی بسیار مناسب است و این به خاطر آن است که بررسی نظارتی می تواند به یک منطقه ریسک کلیدی شرکت عمق بیشتری ببخشد پس این گزارش می تواند با ارائه پیشنهادهایی جهت پیشرفت و تقویت موقعیت مالی یک شرکت به آن ارزش بیشتری اعطا نماید همچنین این گزارش می تواند موجب تقویت یک شرکت برای بهتر کاهش دادن ریسک شود و به طور کلی باعث تقویت فرایندهای نظارت داخلی شرکت نیز می شود. بازهم تاکید می شود که از متخصصی باید استفاده شود که قادر به بحث درباره ریسک ها باشد و از فرایندهای مدیریتی نیز در خصوص مدیریت شرکت استفاده شود.

خلاصه

روش نظارت مبتنی بر ریسک روشی ساختاری است که برای شناسایی ریسک های کلیدی موجود در صنعت و شرکت های خصوصی استفاده می شود از این روش برای ارزیابی روش های کاهش ریسک که در مدیریت اینگونه ریسکها کاربرد دارد نیز استفاده می شود

نظارتی دقیقی که اتخاذ می شود باید متناسب با زیر ساخت های فنی داخلی، فرهنگ و مرحله توسعه صنعتی آن کشور باشد. با این وجود احتمالاً هرچقدر که چارچوب نظارتی بر روی مناطق کلیدی ریسک تمرکز بیشتری داشته باشد به همان مقدار نیز برای فراهم نمودن بیمه در این زمینه تلاش بیشتری خواهد شد.

واژگان کلیدی:

مدیریت ریسک در معرض ریسک بودن معیارهای مدیریت ریسک رولن شناسی نظارت.

منبع :

John Thomson, Risk Based Supervision of The Insurance Companies, An introduction, March

2001